

واگذار کردن ظلم به عدالت خداوندی، یعنی تحکیم پایه های حکومت دینی و تکرار جنایات جمهوری اسلامی!

امروزه در میان هواداران حکومت دینی و طرفداران جمهوری اسلامی، تلاشهایی صورت می گیرد تا به اسم "مادران عزادار"، مادران را از رسیدن به خواسته های اصلی خود بازدارند. مادران داغداری که از بدو تشکیل حکومت اسلامی، فرزندانشان ناجوانمردانه و بدون تشکیل دادگاه های عادلانه در مقابل جوخه های اعدام قرار گرفتند، به دار آویخته شدند، از برگزاری مراسم ختم برای عزیزان خود محروم شدند، حتی جسد فرزندانشان و یا نشانی از گور آنان به آنها داده نشد و در طول سالیان گذشته مورد همه گونه تهاجم، فشار و توهین قرار گرفته اند. از جمله تلاشهای جمهوری اسلامی بمنظور فراراز عدالت و تحکیم پایه های حکومت دینی این است که بجای پرداختن به اجرای عدالت در چارچوب قوانین حقوق بشری، عدالت را در چارچوب قوانین دینی و الهی تعریف می کنند. جمهوری اسلامی تلاش می نماید تا مادران عزادار و جامعه را از رسیدن به عدالت باز دارد و پاره ای از مسببین این جنایات را که امروزه خود به دام خشونت جمهوری اسلامی گرفتار گشته اند را، بعنوان ناجی مردم جلوه دهد.

بعنوان مثال، خانم پروین فهیمی، مادر سهراب اعرابی، در مکالمه تلفنی که با آقای شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل داشت، و از رسانه های حامیان جمهوری اسلامی پخش گردید، گفت: "فرزندم و فرزندان این آب و خاک برای اعتراض مدنی در راهپیمایی مسالمت آمیز شرکت کردند و به دست نیروهای دولتی، بسیج و سپاه کشته شدند. از شما می خواهم در گزارشات خود در مورد کشته شده گان بعد از انتخابات توجه بیشتری بفرمایید. ضمناً آقای احمد شهید من با آزادی زندانیان سیاسی و آزادی آقای کروبی، موسوی و خانم زهرا رهنورد از خون فرزندم خواهم گذشت، و این ظلم که به من روا شده است را به عدالت خداوند واگذار می کنم."

خانم فهیمی با مطرح کردن کشته شده گان بعد از انتخابات و اشاره نکردن به خشونت هایی که پیش از انتخابات سال ۱۳۸۸ به صورت سیستماتیک بر فعالان سیاسی، اجتماعی، مدنی، محیط زیستی، دگراندیشان، اقلیت های مذهبی و ... وارد آمده است، جنایت های رژیم جمهوری اسلامی را فقط به مسائل بعد از انتخابات محدود کرده و به صورت غیر مستقیم، فقط دولت احمدی نژاد و نه کل نظام را زیر سوال برده است. خانم فهیمی به عنوان مادری فعال که در طول تقریباً سه سال گذشته با جسارت و پشتکار به دنبال دادخواهی برای جوان برپر شده خود بوده است، به خوبی می داند که خواست های "مادران عزادار ایران" و حامیان آنها چی است. این مادران و حامیان آنها که با دشواری زیاد، در زیر فشارها و سرکوبهای رژیم جمهوری اسلامی به دور هم جمع شده اند، دارای سه خواست اصلی هستند:

۱- لغو مجازات اعدام و کشتار انسانها به هر شکلی

۲- آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی

۳- محاکمه عادلانه و علنی آمران و عاملان تمامی جنایات صورت گرفته توسط حکومت جمهوری اسلامی از ابتدای تشکیل آن.

اما متأسفانه خانم فهیمی به جای مشارکت کردن با بقیه مادران داغدار، مسئله شان فقط پسر خودشان است و چون آقای موسوی را قبول دارند، حاضرند که در ازای آزادی او که مسئول قتل ده ها هزار جوان ایرانی است، از دادخواهی برای فرزند خود بگذرند. گذشت ایشان سبب نمی شود که ما "حامیان مادران ایران عزادار ایران در لس آنجلس" قدمی از خواسته های خود عقب بنشینیم. ما کماکان خواستار این هستیم که عاملین و آمرین جنایات های ۳۳ سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی ایران، از جمله آقایان موسوی، کروبی، خانم زهرا رهنورد و بقیه متهمین به دست داشتن در جنایات جمهوری اسلامی، در دادگاه های صالحه با حضور وکیل مدافع، دادگاهی شده و جوابگوی سرکوبها، فشارها و جنایات هایی که بر علیه مردم ایران مرتکب شده اند، باشند.

کسانی که میگویند با آزادی آقایان کروبی، موسوی و خانم زهرا رهنورد از خون فرزند خود می گذرند، نشان می دهند، که مفهوم جرم و قتل نفس را بدرستی درک نکرده اند. تیری که قلب جوانانی را که برای اعتراض مدنی به خیابانها آمده بودند را شکافت، تیری بود که به طرف همه مردم ایران شلیک شده بود. قاتلین جوانان ایرانی تنها به مادران آنها ظلم نکرده اند، بلکه ملت ایران را عزادار کرده اند. این جوانان، گوشت قربانی موسوی و کروبی نبودند. سهراب، ندا، اشکان، علی، بهزاد، امیر، مصطفی، مهدی، کاوه، کسری، و ده ها عزیز دیگر، فرزندان این آب و خاک و سرمایه های ملی ما بودند. شایدمادری از خون فرزند خود به همین آسانی بگذرد، اما ما نخواهیم گذشت.

این گناه خانم فهیمی نیست که درک درستی از جرمهای جنایی ندارد، گناه از حکومت اسلامی ایران و سیستمی است، که قوانین قضایی مدرن را با قوانین بدوی دینی جایگزین کرده است. در قوانین مدرن که در تمامی جوامع متمدن امروزی جاری است، جرم جنایی، یک جرم عمومی است که وجدان و احساسات جامعه را جریحه دار می کند. در این نوع از جرم، علاوه بر دو طرف دعوی (متهم و خانواده مقتول و یا آسیب دیده)، دادستان نیز به نمایندگی از طرف مردم وظیفه اقامه دعوی و احقاق حق دارد. دادستان از طرف مردم و به نیابت از آنها وظیفه دارد که در دادگاه، علیه متهم شکایت کرده و او را به مجازات عادلانه برساند. قوانین جزایی مدرن امروزی از طریق دادخواهی به دنبال اصلاح فرد و جامعه می باشند. قوانین جزایی مدرن

به دنبال متنبه کردن مجرم هستند نه انتقام گرفتن از او، اما قوانین ضد بشری و بدوی اسلامی، قوانین انتقام جویانه و قبیله ای اند. آنها به دنبال قصاص اند، دست

در مقابل دست، چشم در مقابل چشم. در چنین نظام و فرهنگی است که طرفداران حکومت دینی صحبت از گذشتن از خون فرزند خود و واگذار کردن مجرمین به عدالت خداوندی می کنند. اینان متوجه نیستند که قتل نفس یک جرم جنایی است و بخشش خانواده مقتول سبب از بین رفتن جرم و تبعات آن در جامعه نمی شود. طرح گفتمان دینی نظیرگذشتن از خون فرزند و عدالت خداوندی درزمینه مسائل حقوقی و جزایی، سبب تحکیم پایه های حکومت دینی و تکرار جنایات این چنینی می شود. تمام کسانی که به نوعی در جنایت های این رژیم از بدو تاسیس آن دست داشته اند باید جوابگوی اعمال خود باشند و به مجازات عادلانه برسند.

حامیان مادران عزادار ایران در لس آنجلس

* گروه حامیان مادران عزادار ایران در لس آنجلس هیچ شعبه دیگری در این شهر ندارد!